

به نام خدا و با سلام خدمت جناب مولانا، آقای شهبازی و همه دوستان

ابیاتی از برنامه ۹۶۶ گنج حضور

جمله عالم زین غلط کردند راه
کز عدم ترسند و آن آمد پناه
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۸۲۲

انسانهایی که همانندگی‌ها و اعتیادها و باورها و تعصبات و شهوات و گدایی‌های خود را شناسایی نکنند و متوجه تفاوت اصل خود با جنس تقلبی و ذهنی خود نشوند زندگی را تلف می‌کنند و مدام در بیرون از یک همانندگی به دیگری می‌پزند و به هر کدام که می‌روند سراب و پوچی و تشنگی بیشتر را تجربه می‌کنند اما انسانی که متوجه گفته بزرگانی چون مولانا شود و یا خودش از درد خسته شده باشد و تسلیم شده باشد و عقل تقلیدی و کاذب را تعطیل کرده باشد، مرکز را عدم می‌کند و هر چیزی که لازم باشد را از زندگی دریافت می‌کند و راهنمایی می‌شود.

صاف خواهی چشم و عقل و سَمْع را
بَرَدَران تو پرده‌های طَمْع را
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۵۶۹
-سمع: گوش
-طَمْع: حرص، آز

اگر بخواهیم زندگی حقیقی را تجربه کنیم و شادی بی سبب را تجربه کنیم و چشمان صاف و عقلی سالم و گوش‌هایی بدون قضاوت داشته باشیم، باید دست از حرص زدن و طمع و شهوات و گدایی‌ها و خودنمایی‌ها برداریم تا زندگی حس بی‌نیازی و بزرگی درونی و شادی و آرامش عمیق را در ما جاری کند.

مر مرا تقلیدشان بر باد داد
که دو صد لعنت بر آن تقلید باد
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۵۶۳

انسانی که تقلید می‌کند هنوز در ذهن است، حتی تقلیدهای معنوی می‌تواند به کسی پندار کمال بدهد و توهم معنوی بودن و بزرگی بدهد. اما اگر تقلید را بشناسیم هشیار و گوش بزننگ می‌شویم و مراقب هستیم که فضاگشایی کنیم و تسلیم باشیم. مراقب هستیم که تقلید نکنیم بلکه درک کنیم و به سکوت و سکون راهنمایی شویم نه اینکه هر از چند گاهی یک شیوه و روش و باوری را تقلید کنیم. به عبارتی حتی درس‌های معنوی برای هدایت ما به تسلیم و سکوت و عدم شدن است نه باورسازی و هویت‌سازی و حصار سازی به دور خود و خلاصه اینکه در دنیا زندگی کردن بدون چسبیدن به دنیا.

حَزْمٌ أَنْ يَأْشُدَّ كَه ظَنِّ بَدِّ بَرِي
تَا كَرِيْزِي وَ شَوِي اَز بَدِّ بَرِي
حَزْمٌ، سَوء الظن گفته‌ست اَنْ رسول
هر قدم را دام می‌دان ای فضول
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۶۷ و ۲۶۸

انسانی که متوجه عقل تقلبی و تقلیدی و واکنش‌گر و هیجانی خود شده در هر لحظه و هر اتفاق و هر فکر درونی و بیرونی خود و دیگران اول صبر می‌کند تا ببیند عملی که می‌خواهد انجام دهد خواست نفس امر کننده است یا خواست هشیاری اصیل و خداگونه است. آیا لازم است یا از روی شهوت و حرص و طمع و کینه و تنفر و پندار کمال و تعصب است و اینطوری او در دام درد نمی‌افتد و زندگی را تلف نمی‌کند و وفای خودش را به زندگی اعلام می‌کند.

از درون خویش این آوازا
منع کن تا کشف گردد رازها
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۷۵۳

هر چه افکار من ذهنی و من تقلبی را نادیده بگیریم و بر حسب آنها واکنش نداشته باشیم و صبر کنیم و درد هشیارانه بکشیم و به خواسته‌هایش و شهواتش دل ندهیم، کم کم قوت و عقلی سالم دریافت می‌کنیم و مرکزی ساکت و آرام را تجربه می‌کنیم، و این مرکز می‌تواند راهنمایی زندگی را دریافت کند و با کل کائنات و حکمتی که برایش روشن می‌شود هماهنگ شود.

کجاست ساقی جان؟ تا به هم زَند ما را
بروید از دلِ ما فکرِ دی و فردا را
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۳۳

از وقتی متوجه من ذهنی و کاذب شدم، هر لحظه به زندگی اعلام می‌کنم که همانیدگی‌ها، باورها، شهوات، اعتیادها و هر چیز دیگر مثل در گذشته و یا آینده بودن و دنبال کردن افکار و سواس گونه من را از راه‌های خودش خراب کند و اجازه ندهد دست زندگی و شادی بی‌سبب را رها کنم و از شادی اصیل دور شوم و در درد و رنج و افسردگی و پوچی تلف شوم.

با سپاس از همه، علی از تهران